eMUEy.com
هفته نامه فرهنگی، هنری و طنز
سال اول / شماره شانزدهم
July 2012
مرداد ۱۳۹۱

نظرات شما در قبال طنز

سیل عضویت در سخنگاه

غیبت کبرا به اعضای هفته نامه هم رسید

مصاحبه با ترمه؛
قضاوتهای خوبی داشته باشیم

وبلاگ شناسی

# فهرست


| | |
|---|---|
| اخبار | 3 |
| جوابیه | 4 |
| شبیه سازی | 5 |
| آزمون | 5 |
| مایکلیسم | 6 |
| اسکار | 11 |
| وبلاگ شناسی | 16 |
| مصاحبه هفته | 20 |
| نظرات شما | 24 |
| پیش بینی | 26 |
| پایان نامه | 26 |

**سردبیر**

احسان

**طراحی جلد**

وحید

**تدوین مطالب**

وحید

**نگارنده ها**

وحید

عرفان

فرناز

احسان

ماهان

فرشاد

- ورود اعضای جدید! این هفته در امپراطوری فروم، سیل عظیمی از طرفداران مایکل به عضویت در اومدن... سردمداران این اعضای عبارتند از: بازرس پلیس، اطلس گیتا شناسی! یگانه، سردرگم در اشعار مایکلی! آیدا، پستی در فضای بسته! عاطفه، عطوفت مایکلی! همگی خوش اومدین بچه ها و امیدواریم در هفته های بعدی هم این سیل ادامه داشته باشه.
- نبود اعضای هفته نامه در هفته اخیر بحث برانگیز شد... ماهان به مسافرتی در سواحل هاوایی رفته و آفتاب بر تن، عینک بر چشم، دست بر زیر سر، نگاهی به آن سوی دریا، دراز کشیده! فرشاد که بعد از اولین هفته فعالیتش در هفته نامه، اسمش در گمشده ها سربرآورد... فعلا خبری از این عضو جدید نیست و هر گونه خبری از ایشون در ساعات بعدی به اطلاع شما عزیزان میرسد! و در آخر سردبیر گرامی، ایشون هم که معلوم نیست الان بر سر چه کاری هستن اما بارها توسط افرادی با ایشون تماس گرفته شده و جوابی از این فرد نشنیده اند! البته یکبار از شماره ای ناشناس با ایشون تماس گرفته شد و جواب دادن و گفتن که شما؟ وقتی دیدن از طرف هفته نامه هست، گفتن اشتباه گرفتید و گوشی خود را قطع کردن! و بعد از این قضیه به هیچ شماره ای پاسخ گو نبودن! اگر شما احیانا در خیابون این فرد که با شمایل Fat میباشن را دیدین، با شماره های هفته نامه که در زیر صفحه قرار میگیرد، تماس برقرار کنید!
- کاترین جکسون برگشت! طبق آخرین خبرها کاترین مادر مایکل جکسون، به خانه خود بعد از مدت مدیدی برگشت... اینگونه که از خبر ها بر می آید، پاریس دل نگران مادر بزرگ خود، سر بر آستین و گریه ای فراوان کرده است! به دنبال همین بازگشت آتش در خانواده جکسون خاموش شد!
- احتمال زنده بودن سلطان بزرگ قوت گرفت... طبق اطلاعاتی که بازرس پلیس اطلس بانو در فروم گذاشته شده است، مثل اینکه احتمال زنده بودن مایکل جکسون بسیار زیاد شده است و الان اعضای این سخنگاه در حال گشتن محل احتمالی اختفای پادشاه پاپ هستن!
- فعالیت در سخنگاه زیاد شد! بعد از مدت های بسیار زیاد، فعالیت در فروم شدت یافت... در اول به نظر میرسید رویایی بیش نیست ولی الان معلوم شده است که این رویا به حقیقت پیوسته! امیدواریم با همین شدت اعضا به فعالیت خود ادامه دهند.
- سرپرستی فرزندان بلند مایه سلطان در حال رسیدن به تی جی هست! حالا تی جی کیه اینش به ما ربطی نداره! فقط آرزوی موفقیت داریم!
- المپیک هم شروع شد... بعد از 4 سال انتظار بالاخره المپیک سال 2012 لندن رو هم دیدیم. البته من که لیاقت پیدا نکردم ببینم ولی از تعریف های دوستان معلومه که خیلی خوب بوده! امیدواریم ایران هم جوایز بسیاری بگیره!
- از شماره های بعدی احتمالا یک بخش جدول مایکلی هم به هفته نامه اضافه میشه! امیدواریم کارهاش درست پیش بره و استقبال خوبی هم داشته باشه! البته اگه با این کار موافقین توی نظرات خودتون اعلام کنین...
- هفته نامه با تاخیر منتشر میشود! این هفته بخاطر نبود نصفی از اعضای هفته نامه، با تاخیری بسیار کم منتشر میشود! این هفته فقط نویسنده های بخش وبلاگ شناسی و اسکار و مصاحبه ، حضور داشتن و بقیه مطالب را اینجانب نوشته است! اگر اعتراضی دارید در دل خود بگذارید چون کاچی به از هیچیه!

# جوابیه هفته

آخ جووووووووووون! چه تاپیک باحالی! من عاشق سئوال پرسیدنم!!

عاشق چیز دیگه ای نیستین؟ مطمئنین؟ بله، شما میتونین به سامانه پیام کوتاه هفته نامه یک پیام پوشیده خالی با ذکر نام خود بفرستید، تا گروه هفته نامه یک کنفرانسی با جناب آقای گرداننده بذارن و یک بخش با عنوان پرسش و پرسش های بیشتر توسط بانو اطلس! به فروم اضافه شود.

اینجا شده مثل یک بن بست!

خب میخواستین از اتوبان وارد شوید!

نمیخواستم دیگه اینجا پست بدم!

خب پس چرا دادید؟ میشه که خواهش کنم دیگه ندید؟

تنها کاری که اینجا با من شد، از شقشقیه انداختنم بود!

اشکالی نداره! دوباره شتر شو و بدو و شق شق کن!

مراسم تنها چیز باشکوهی که کم داشت تو بودی.

باشه عزیزم، از مهمونی بعدی حتما میام تو گریه نکن فدات شم فقط قول بده که منو نگه داری بعدش پس عزیزم شب میبینمت

وحید سبک یکی از مقامات تو جوابات می‌پیچونی!!

خب الان یعنی چی؟ باشه از دفعه دیگه بهشون زنگ میزنیم که قبل از جواب دادن با شما هماهنگی برقرار شود تا جا برای شما هم باز تر شود و تعجب نفرمایید...

فکر کنم دوبار تبریک گفتم!

اینقدر قیمت مرغ سر به بیداد میزند که بر روی خود مرغ ها هم فشار آمده است... امیدواریم از این به بعد مرغ های گرامی، تخم مرغ دو قولو یا سه قولو بدن بیرون به مانند تبریک گفتناشان!

با سلام.

من نویسنده بخش شبیه سازی هستم، تازه واردم... تازه مایکلی نشدم! دیگه اینکه اینقدر سنمه ∞! امیدوارم منو به عنوان یک فرد تازه به جمع خودتون در فروم بپذیرید!

بله 😬 تو این هفته تعداد زیادی عضو تازه وارد فروم شدن، یکیش هم من بودم مثلا! دروغ! این گروه تازه اومده، عمدتا دختر هستن! طبق شنیده های برخی شایعات حسنه! اینها دختران همسایه جناب گرداننده مذکر مو فرفری هستن! البته این فقط یک شایعه س پس جدی نگیرید! من هنوز میخوام زندگی کنم! 😟 به هر حال! اینا همه ش بخاطر قیمت مرغه! همه دارن مایکلی بشن! همونطور که آملت موز اومد تو بازار، مرغ با مزه مایکل هم وارد بازار شده! از بحث منحرف نشیم! از این وارد شدن های بسیار زیاد! که طبق تنها گفته(همون شایعه) همه اینها از زیر سر حمید بلند میشه! در هفته های آینده شبیه سازی میشود که:

* یه عده پسر از همسایگان خود را وارد فروم کند!

* یه عده دوباره دختر عضو فروم کند! به دلیل علاقه شدید این گرداننده به این جنس!

* همه را جمع کند برای بازسازی یک پارودی متفاوت ازتریلر با عنوان دلر!

* همه را موعظه کند که تو صف های مرغ واینستن و برن از مرغ دونی حمید، بخرن با تخفیف ویژه برای امجی فن های عزیز!

---

1| اکران ..... در جشنواره فیلم ونیز

الف) خداحافظ حمید و الناز ب) مستندی از بچه های هفته نامه جهت برپایی سنت های دریلر

ج) پستهای پر بار اطلس د) مستند بد 25

2| در جنجالی عمومی اطلس اعلام کرد: « اینجا انواع تایپیک در مورد ..... هست. فقط جای یه ..... کم بود که من شروعش کردم.»

الف) حمید / تایپیک در مورد الناز

ب) مدرسه / تایپیک در مورد دانشگاه

ج) به پا خیزی بر علیه وبلاگیون / به پا خیزی بر علیه سایتیون

د) مایکل / بازی پلیسی

3| ایسان: « خواسته کار .... رو یه تنه بکنه و موفق بوده.»

الف) حمید ب) سایت امجی دات کام ج) من د) 100 نفر

4| حمید در جواب بعضیا گفت: « اینجا.... و هر کس ..... .»

الف) تهرانه یعنی شهری که / میتونه تحریک شه

ب) بفرمایید شام / میتونه نقش بدل منو بازی کنه

ج) اینجا خونه منه / میتونه شب برای افطار چند نفر رو هم با خودش بیاره

د) یه فروم آزاده / میتونه آزادانه عمل کنه

هفته پیش من بخاطر حرف هایی که زده شده بود مثلا چرا زیاد مینویسی و کم بنویس یا اینکه سعی کن خوبیهای مایکل رو بگی! من یک صفحه و نصفی نوشتم! و اصلا انگار چیزی ننوشتم! ولی اونطوری خودم از نوشتم راضی نبودم! از این به بعد، مایکلیسم رو برای افرادی خاص که هر شماره میخونن، مینویسم... شده یک نفر هم بخونه، من مینویسم!

---

# مایکل جکسون یک دروغ بود...

– چی؟

– مایکل؟

– دروغ میگی!

– مگه میشه!

– یکم شراب میخوای؟ یک روزی خیلی حرص میزدی! یکم بخور!

– 13 سپتامبر 2009 رو یادتونه؟ (مایکلیسم شماره چهارم!)

– سه سال داریم دنبالش میگردیم! بعد تو اون روز ملاقات منو مایکل رو یادآوری میکنی؟

– منظورت روزیه که مرگ مایکل رو مشخص کردین!

...

مایکل جوزف جکسون... یک چیز خاصی تو اسمشه! مایکل جکسون! اسمی که انگار قرار بوده از اول معروف بشه و سر زبون ها بیوفته! اسمی که حتی خود اسمش هم تکرار نمیشه! مایکل جکسون... یک دروغ بود...

# رقابت

**از اول زندگیش رقابت بوده! بذارین حالا که مخاطب مون خاص شد، هسته ای تر حرف بزنیم!**

**وقتی که باید با 300 میلیون اسپرم دیگه مسابقه بدی و رقابت کنی! (یک لحظه فکر کنین، اگه یک اسپرم دیگه میرفت توی تخمدان! بعدش مایکل جکسون دیگه نبود!)**

# هالیوود

**تمام مراحل زندگی مایکل رو خیلی راحت رد میشیم! ورود به هالیوود!**

**هالیوود رو مثل یک دانشگاه در نظر بگیرین...**

**پسر خدمتکار: یه چند روزی اینجا باشی، ایمانت رو به خدا از دست میدی!**

**سخنرانی رئیس دانشگاه: "آمریکا صدای شیپور را شنیده است و میدانید که این شامل همه ما میشود، فکر نکنم که جنگ هیچوقت تمام شود! جنگی به راه افتاده که ما را از هم جدا خواهد کرد، خداحافظ گذشته! سلام آینده! من اینجا هستم که بتونم بخشی از این نبرد باشم و شما را هم همراه خود کنم!"**

**روز اول دانشگاه! همه باید برهنه بشن و آدم بودنشون رو نشون بدن و دوباره لباس بپوشن!(برهنگی کنایه از فراموش کردن اتفاقات و اعتقادات گذشته! لباس پوشیدن دوباره کنایه از، از اول همه چی رو یاد گرفتن به دلخواه رئیس دانشگاه!)**

**این یک رسم برای تازه وارد هاس، همه برهنه... در حال نشون دادن آدم بودنشون! اونجا بود که یک نفر اومد! همه برهنه و یک نفر تازه وارد وارد شد...**

**– هی تو، اسمت چیه؟**

**– زبون تو موش خورده؟ از روی کارت شناساییش ببین اسمش چیه!**

**– اوهمه، مایکل جوزف جکسون!**

**– خب مایکل جوزف جکسون جان! برهنه شو ! زود**

**– (مایکل در دلش):** Everything is Ok

**– این چرا نمیفهمه! هی جیمز باند! بیا بهش بفهمون!**

**– جیمز باند(کنایه از پسری با تعهد آمریکایی!) :برهنه شو و گرنه اینا روت علامت میزنن!**

**– هاااا اگه الان برهنه نشی تا آخر عمرت نشونه گذاری شده، قرار میگیری!**

**– (مایکل در دلش): Everything is Ok**

**مایکل میره درون اتاقش و در رو از روی همه میبنده! همه در بیرون برهنه و مایکل درون اتاقش با لباسی که داشت!**

**– تا ده میشمریم! اگه اومدی بیرون و برهنه شدی که مثل بقیه میری دنبال کارت و گرنه تا آخر عمرت بدجوری نشون گذاریت میکنیم!**

**– یک**

**– (مایکل توی حال و هوای خودشه! اما یک روزی باید از اتاقش بیاد بیرون! هنوز تا ده وقت داره! مایکل با خودش میگه: شاید اینا ارزش هنرمند رو بشناسن وقتی ببینن که استعداد خیلی خوبی داری، شاید بیخیال شدن! اینجاست که تریلر وارد میشه!)**

**– دو**

**– (تریلر به بالاترین فروش ممکن دست پیدا کرد! 11 تا نامزدی! 8 تاشو گرفت!)**

**– سه**

**– (مایکل: مثل اینکه اینا نمیخوان بیخیال شن! ول کنین منو!)**

**– چهار**

**– پنج**

**– (مایکل اسطوره ای شد که هنوز تو اتاقش و با پایان شمارش معکوس باید یک کاری بکنه!)**

**– شیش**

**– (مایکل تحقیق میکنه که بعد از نشون گذاری چه اتفاقی براش میوفته! شایعه! مرحله اول اونها شایعه س! بنابراین مایکل برای خودش شایعه میسازه! تا شایعات اونها برای مردم عادی باشه!)**

**– هفت**

**– (مایکل به این فکر میکنه که دیگه چیکارهایی میتونن بکنن! اما وقت نیست! باید به آلبوم بعدی خودش برسه! اسمش چی باشه؟ یک کنایه مستقیم یا یک محرمانه مستقیم! بد! آلبوم بد با فروش نسبتا خوبی هفته های اول فروش رو پشت سر میذاره!)**

**– هشت**

**– (گرمی 1988 مایکل هیچ نوع جایزه گرمی نمیبره! تور بد موفق ترین تور کنسرتی جهان! مایکل دست و پاچه شده! مایکل اتاق خودش رو بزرگتر میکنه(خرید نورلند!) مایکل در حال تدارک آلبوم بعدی خودش!)**

**– نه**

**– (مایکل اسم آلبوم بعدی خودش رو دنجروس میذاره! تریلر بد دنجروس! آلبومی با سبک متفاوت! آلبوم منتشر میشه! تور دنجروس شروع میشه! دو لگ اول تموم میشه!)**

**– ده(ده ثانیه به اندازه ده سال!)**

**– مایکل نشون گذاری شد! آسیب زدن به مایکل آزاده! هر کس از هر جای دنیا که با این نشون گذاری آشنایی داره! الان دنبال سود جویی و سوء استفاده هست!**

**– اولین حرکت! اتهام جنسی!**

**– روش کار کسایی که سوء استفاده میکنن از این نشونه گذاری: مثل یک کوئل کار میکنن(یک نوع پرنده) کوئل هیچوقت آشیانه درست نمیکنه! همیشه تخم هاشو توی آشیانه های دیگه میذاره! و وقتی که میخوان به دنیا بیان چیکار میکنه؟ اونها تخم های دیگه رو از لانه بیرون میندازه! (اون تخم که داره جوجه میشه، وقتی میخواد به دنیا بیاد، تخم های دیگه رو از لانه بیرون میندازه!)**

**مسابقه تمومه! (مثل مسابقه ای که اول گفته شد!)**

**زندگی شون با یک قتل شروع میشه! این طبیعتشونه! (زندگی شون شروع میشه کنایه از اینکه وارد اینکار سود جویی میشن! وقتی با یک قتل شروع میشه! باید برای ورودشون یک زندگی رو از بین ببرن! این طبیعتشونه کنایه از این روش معمولش هست و هرکس که بخواد وارد اینکار بشه، باید اینکار رو بکنه! بدون عذاب وجدان!)**

**رقابت کن یا بمیر!**

**– تو چرا داری میخندی؟(اشاره به مایکل!)**

**– مایکل: راستش از بچگی آرزو داشتم به اینجا برسم... من خیلی خوشحالم که بالاخره اینجام!**

**– لازم نکرده خوشحال باشی! زود بگو رقص یعنی چی؟**

**– مایکل: هر حرکتی که از احساسات درونت جاری بشه، میشه رقص!**

**– ها! این چجور توضیح دادنیه؟**

**– مایکل: من فقط اون چیزی که خواستین رو گفتم! فقط به زبون ساده تری!**

**– لازم نکرده ساده توضیح بدی! تو توی اوقات فراغتت چیکار میکنی؟**

**– مایکل: من، ادواتی که ضبط میکنند، آنالیز، خلاصه کردن، سازمان دادن، توضیح اطلاعات همراه با عکس، بدون عکس، چاپ پشت ژاکتها و کتابها، ساختن جدولها، مطالب مفید، جهت روشن فکری و فهمیدن استفاده میشن، غنی سازی، افزایش آموزش مغز آزمایش انسانها، از طریق قدرت بینایی، بعضی وقتها هم از طریق لامسه رو میخونم! (یک مثال ساده در رسوندن منظور در آهنگ ها یا سخنرانی های مایکل!)**

**– منظورت چیه؟!!!!!!!!!!**

**– مایکل: کتاب! من کتاب میخونم!**

**– ساده تر نمیتونستی بگی؟**

**– مایکل: من قبلا تلاش کردم ولی ساده ترش جواب نداد!**

**– (مایکل فهمید که خیلی چیزا رو با زبون ساده بگی، بقیه یا اعتراض میکنن یا بهت تهمت میزنن یا ازش به سادگی رد میشن! پس باید بعضی وقتها به این شکل حرف زد!)**

**اتهام جنسی!**

**(قسمتی از متن مایکلیسم شماره 13)**

**تجاوز جنسی به یک کودک! کجایی مدونا که از شب سال 1991 خودت با مایکل تعریف کنی؟ کجایی مدونا که از اون نتونستن کنترل مایکل تعریف کنی؟ کجایی تاتیانا که بگی، مایکل بدش نیومد؟ کجایی بروک شیلدز که از 22 سالگی خودت و سال 1987 تعریف کنی؟ چرا اون زمان حرف های نگفته بچه از مدونا، گفته نشد؟ چرا الان گفته نمیشه؟**

**زنگ میزنه به وکیلش میگه: الو خوبی؟ تو پولشویی زیاد انجام دادی نه؟ وکیل: آره، مایکل: حالا میتونی اون کار رو برای من به شکل دیگه ای انجام بدی که از این قضیه بیام بیرون و همه چی درست بشه؟ وکیل: آره، مایکل: اااااا، خب چطوری؟ وکیل: ازدواج، مایکل: ازدواج ؟!!، وکیل: آره، ازدواجی که مردم باورش کنن، داستانی داشته باشه که همه باورش کنن! ازدواجی که پشتیبانیت هم بکنه! مایکل: میشه بهتر توضیح بدی؟(ادامه ش در مایکلیسم شماره های 13 و 14 و 15!)**

Lifelong I Live

The Life of Another

For Just One Moment

Let Me Live As I...

Na na na, na na na

Give Me Some Sunshine

Give Me Some Rain

Give Me Another Chance

I Wanna Grow Up Once Again

---

**این یک توضیح اجمالی بود از اول زندگی به مایکل به زبون این سری مایکلیسم ها(مایکل جکسون یک دروغ بود...) تا قبل از شروع شماره اول مایکل جکسون یک دروغ بود... هفته بعدی از ادامه مایکلیسم شماره 15 نوشته میشه!**

سلام به همه  شما دوستان ام جی فن

خب سریع میریم سراغ مراسم اسکار این هفته

ابتدا دعوتم میکنم از این دوتا خانوم و حاج آقای محترم

و  حالا نامزد های بهترین پست در این هفته:

.

.

.

فرناز...برای ترجمه اشعار مایکل

امین... برای نقد و بررسی کاور آرت های آلبوم های مایکل

اطلس...برای احتمال زنده بودن michael jackson!!!

وحید... برای احتمال زنده بودن michael jackson!!!

#26336

احتمال زنده بودن michael jackson!! 22 جولای 2012 03:36

FeanoR
(کاربر)

هم اکنون آنلاین
Dangerous

ارسال ها 2364
سپاس گفته شده 906

*مراسم خاکسپاری درست مثل یک فیلم و با نفارت خانواده و بصورت full hd!! پخش شده البته فقط قسمتهایی که خانواده اجازه داده بودن! منتها بعدا فیلم های دولایی از مراسم پخش نشد نه کشی ایهام و اجرا رقص گذاشت که بی حیای اون میشه(نه جرمین هم بابت پخشش دعوا شده بود!!)*

مثل اینکه مایکل جکسون مرده! تمام مراسم خاکسپاری به صورت زنده پخش میشده که تمام مردم جهان ببینن و بعد یک میکس زیبایه چند ساعته منتشر شد که مردم که نتونستن بمیرن، ببینن! حالا برای ما شده یک نوع آشوب! بار جرمین!

*مسخره تر از همه خنده های بی پایان تمامی اعضای خانواده جکسون در مراسم یاد بود حتی هنگام سخنرانی دردناک پاریسه که راستش امیدوارم این یکی رو عمدا دیده باشید چون از دست دادنش جای تاسف داره! حتی خنده های پرنس و پاریس هم جالبه و من که به شخصه بجز صدای گریه هیچ قطره اشکی که از چشمان این دو عزیز جاری بشه ندیدم! حالان پاریس قبل از سخنرانیش جدا دیدنیه! جان من حتما ببینید!!! تنها کسی که در طول پایبود گریه می کنه بلنکته که با سن کمش اصولا نمی بوده چه اتفاقی داره می افته شمون طورکه بعدا هم گفته بود که: پدر به معطیلات رفته!!! " من عاشق بلنکت ام!!*

فردا ش هم تازه رفتن استخر! اینا همه ش بلبیه، اونا رو با ما مقایسه نکن! اصولا می اگه جای مایکل بودم و میخواستم بمیرم و یک خانواده اف مثل خانواده جکسون داشتم، بعد یک کاری میکردم. فقط خودم و بچه هام بدونن نه کسی دیگه! تازه فکر کن، خانواده جکسون بدون مایکل زنده س، بعدش همچین کاری رو هم الان بکنن و بگن وصیت نامه تقلبی بوده و یه دنبال ارث و میراث مایکل بیوفتن! حتما اینم نقشه خود میکل بوده نه؟!!!

*چرا جرمین در مراسم یادبود هنگام خوندن شعر رو عوض می کنه و بجای : light up your face with gladness, hide every trace of sadness می خونه: light up your face with sadness, hide every trace of gladness!!!*

باور کن اگه مایکل هم زنده باشه، ولی جرمین نمیدونه! کل خانواده جکسون نمیدونن. چون اینا از صد تا پاپارازی برای مایکل بد تر بودن!

*به کسانیکه در یادبود سخنرانی کردن رقت کردین؟ چرا دوستای بسیار صمیمی تر حضور نداشتن؟ اسم نمی برم چون زیادن!*

# اطلس...برای دانستنی های مایکلی

#26453

پاسخ: دانستنی های مایکلی 24 جولای 2012 14:45

atlas
(کاربر)

فلانی
Speechless

ارسال ها: 25
سپاس گفته شده 30

مرسی الناز جان! بابا عجب وب فعالی داری! تو ۵ فن واقعی هستی LOVE U Elnaz !!! . باید یه زمان اساسی گیر بیارم و ویلاگتو کامل بخونم، برام جالبه.
من الان می خوام کاتا داستان عاطفی از مایکل بذارم نقل شده، از دوستاش! اگه ترجمه ام خوب نیست ببخشید! دستمالتون رو هم برای گریه سوزناک آماده کنید چون تاثیر گذاره!!

A) مایکل و دوست خانوادگیش Majestic در محوطه خانه مایکل در حال قدم زدن بودند . Majestic داشت با مایکل صحبت می کرد که فهمید اون دیگه در کنارش نیست! اون به عقب برگشته بود، به زمین نگاه می کرد و گریه می کرد. Majestic می پرسه: " چکار می کنی مایکل؟" مایکل در حالی که چشماش خیس بوده جواب میده:" به این جوجه کوچک نگاه کن که مرده" Majestic: " مایکل ،اون فقط یه پرنده است و تو حالا دیگه نمی تونی هیچ کاری براش انجام بدی" و جواب می شنوه که: " Majestic، این هم یک موجود زنده بوده درست مثل من و تو که قبل داشته وزوز، ما باید یه کاری انجام بدیم!" Majestic می بینه که مایکل روی زمین نشسته و با دستاش شروع به کندن یک گودال برای خاک کردن جوجه می کنه در حالی که زیر لب هم داره دیگه " ما باید این پرنده رو خاک کنیم! باید این کار رو انجام بدیم! نمی تونیم اینجا رهاش کنیم! و باید براش دعا بخونیم!"
اون گودال رو درست می کنه و روی پرنده رو با خاک می پوشونه، بعد می ایستد و Majestic رو هم محکم می گیره که کنارش بایسته و دعا بخونه و خودش شروع می کنه و از خدا می خواد که به پرنده برکت بده و اونو در بهشت بپذیره!
اونا دعا رو تموم می کنن و Majestic تلاش می کنه که راضی ش کنه دیگه بره : " بیا مایکل، دیگه تموم شد!" اما مایکل توجهی به اون نمی کنه و در عوض در حال نگاه کردن به درختیه که کنارش پرنده رو خاک کردن و به بالای درخت نگاه می کنه و واقع جایی که پرنده رو دفن کردن اگهان به درخت می ره و ازش بالا میره و اما پرنده پرسه ، اونو توی جاش ثابت می کنه که جوجه های دیگه ای نیفتن و از بین نرن! بعدپایین میاد، خودشو می تکونه و همراه با Majestic برای ادامه کار راهی استودیو میشه!

b)
(Peter Townsend: The Who) : تجربه من درباره رابطه او با بچه ها اینطوریه که او بدون هیچ تکبرو یه تک تک هر کودم از ما کمک می کرد ، توی یکی از موارد اون یک

# پریا... برای ترجمه اشعار مایکل

#26565

ترجمه اشعار مایکل 27 جولای 2012 03:56

پرند
(کاربر)

فلانی
کاربر

ارسال ها: 7
سپاس گفته شده 10

someone put your hand out

Never try to talk about it
هرگز سعی نکن که درموردش سخن بگویی

It's got to sound good to me inside
این دارای نوای خوبی در درون من بود

I just think about it
من فقط به ین می اندیشم

I'm so undemanding
من سرشار از نیرزم ) منظور : سردرگم و درپی پاسخ سوالی بودن)

Cause they say love is blind
چون آنان می گویند که عشق کور است

# یگانه...برای ترجمه اشعار مایکل

#26659

ترجمه اشعار مایکل امروز 17:16

یگانه
(کاربر)

فلانی
کاربر

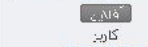

ارسال ها: 4
سپاس گفته شده 6

Do not walk away
از کنارم نرو

see i just can not find the right thing to say
ببین که من فقط چیزي خوبي براي گفتن نمي توانم پیدا کنم

I tried but all my pain gets in the way
من تلاش کردم،اما تمام زحماتم برباد مي ره

Tell me what have to do so you will stay
به من بگو باید چه کنم تا تو بماني

should i get down on my knees and pray
باید زانو بزنم و التماس کنم؟

And how can i stop losing you
و چطور مي تونم جلوي از دست دادنت رو بگیرم؟

How can i begin to say
چگونه مي تونم شروع به گفتن کنم؟

و اما برنده ...

اطلس...برای دانستنی های مایکلی

#26453

پاسخ: دانستنی های مایکلی 24 جولای 2012 14:45

atlas
(کاربر)

فلش
Speechless

ارسال ها: 25
سپاس گفته شده 30

مرسی الناز جان! بابا عجب وب فعالی داری! تو ه فن واقعی هستی LOVE U Elnaz !!! . باید یه زمان اساسی گیر بیارم و ویلاگتو کامل بخونم. برام جالبه.
من الان می خوام تا داستان عاطفی از مایکل بذارم نقل شده، از دوستاش! اگه ترجمه ام خوب نیست ببخشید! دستمالتون رو هم برای گریه سوئیتاک آماده کنید چون تاثیر گذاره!!

A) مایکل و دوست خانوادگیش Majestic در محوطه خانه مایکل در حال قدم زدن بودند . Majestic داشت با مایکل صحبت می کرد که فهمید اون دیگه در کنارش نیست! اون به عقب برگشته بود، به زمین نگاه می کرد و گریه می کرد. Majestic می پرسه: " چیکار می کنی مایکل؟" مایکل در حالی که چشماش خیس بوده جواب میده:" به این جوجه کوچک نگاه کن که مرده" Majestic: " مایکل ،اون فقط یه پرنده است و تو حالا دیگه نمی تونی هیچ کاری براش انجام بدی" و جواب می شنوه که: " Majestic، این هم یک موجود زنده بوده درست مثل من و تو که قبل داشته و روح، ما باید یه کاری انجام بدیم!" Majestic می بینه که مایکل روی زمین نشسته و با دستاش شروع به کندن یک گودال برای خاک کردن جوجه می کنه در حالی که زیر لب هم داره میگه " ما باید این پرنده رو خاک کنیم! باید این کار رو انجام بدیم! نمی تونیم اینجا رهاش کنیم! و باید براش دعا بخونیم!"
اون گودال رو درست می کنه و روی پرنده رو با خاک می پوشونه، بعد می ایستاد و Majestic رو هم محو می کنه که کنارش نشسته و دعا بخونه و خدا شروع می کنه و از خدا می خواد که به پرنده برکت بده و اونو در بهشت بپذیره!
اونا دعا رو تموم می کنن و Majestic تلاش می کنه که راضی ش کنه میگه برن : " بیا مایکل، میگه تموم شد!" اما مایکل توجهی به اون نمی کنه و در عوض در حال نگاه کردن به درخته که کنارش پرنده رو خاک کرده و به بالای درخت نگاه می کنه. در واقع چایی که پرنده ازش افتاده) اگه اون رو ... درخت می ره و ازش بالا میره تا پرنده رو ببینه
پرنده بپرسه ، اونو توی جاش ثابت می کنه که جوجه های دیگه ای نیفتن و از بین نرن! بعد پایین میاد، خودشو می تکونه و همراه با Majestic برای ادامه کار راهی استودیو میشه!

b)
(Peter Townsendi The Who) : تجربه من درباره رابطه او با بچه ها اینطوریه که او بدون هیچ تکبری به تک تک هر کودکی از ما کمک می کرد . توی یکی از موارد اون یک جایگاه مخصوص برای یکی از بچه های دچار سندرم دان در یکی از اون مدرسه های مخصوص که دختر یکی از دوستای من توش بود ، اجازه کرده بود.
اون با شگفتی و حالتی بچگانه با اونها به تماشای نمایش می نشست. یکی از ین دختر کوچولوها باور داشت که همسر آینده مایکل خواهد بود و مایکل در کمال مهربانی به او اجازه می داد که بعیان عروس آینده اش کارش بشینه! !
" ممکنه که سال های اون سوخته بود و از خیلی لحاظ آسیب دیده ولی اون به هر حال چیزی از یک فرشته در وجودش داشت"

c)
(Seth Riggs معلم آواز مایکل در مدت 21 سال) : " مایکل در خارج از صحنه بود اونو برای آموزش می اومد ولی ... و ما اون رو دعا می کردیم و ما کمی از جزئیات می خوندیم بعد یه دعای دیگه و بعد کارمون رو شروع می کردیم! می تونید تصور کنید که خواننده بزرگی مثل مایکل جکسون وسط آموزش شروع کنه به بحث کردن درباره اینکه چقدر خداوند برای او بی نظیر و فوق العاده است و چقدر خدا رو دوست داره؟ من یک لحظه رو به خوبی به خاطر دارم : من داشتم پیانو میزدم و او کنار من ایستاده بود . ناگهان دیدم اون دستهاشو کنار هم گذاشته و به بالا نگاه می کنه ، به نظره رسید که این خیلی براش مهمه بنابراین اتاق رو ترک کردم و چراغ ها رو خاموش کردم. بعد از نیم ساعت برگشتم و دیدم اون داره زمزمه می کنه :" از تو ممنونم به خاطر استعدادم، از تو ممنونم برای همه چیزایی که دارم، از تو ممنونم به خاطر همه اونایی که به من عشق می ورزند ، به من بگو چه کاری باید انجام بدم و من اون رو انجام خواهم داد" برای من ، این لحظه ای از ارتباط او با خدا بود"
LOVE U MJ

اطلس جان بهت تبریک میگم

و این هم جایزت:

...

و چهره این هفته هم فرناز هستش که دوباره تقریبا مثل قبل فعال تر شده در فروم

و اما...

**تمشک طلایی**

تمشک طلایی این هفته هم طعلق میگیره به...

**وحید**

پاسخ: نقد و بررسی کاور آرت های آلبوم های مایکل - 26 DANGEROUS ALBUM COVER جولاي 2012 03:02

اینجا شده مثل یک بن بست!

نمیخواستم دیگه اینجا پست بدم! تنها کاری که اینجا با من شد، از شقشقیه انداختنم بود!

سه تا اینجا!

FeanoR
(کاوید)

وحید جان این هم جایزت:

یه زمانی هرکی ام جی فن میشد واسه خودش یه وبلاگ هم میزد ، جدیدا مد شده هر کسی تازه ام جی فن میشه واسه خودش یه فروم هم میزنه، اینجوری پیش بره فکر کنم تا چند وقت دیگه مجبور بشیم به جای بخش وبلاگ شناسی، بخش فروم شناسی بذاریم!!

بگذریم...

مایکل جکسون

The King Of Pop

وبلاگی که این هفته برای بررسی انتخاب کردیم وبلاگی در زمینه ترجمه هستش

در این وبلاگ ترجمه بعضی از آهنگ ها و مصاحبه های مایکل جکسون وجود داره

مطالب این وبلاگ به چهاردسته تقسیم شده

ترجمه

مصاحبه

دانلود

دستنوشته

در بخش ترجمه، شما شاهد متن، ترجمه و تحلیل بعضی از آهنگ های مایکل از جمله Unbreakable و All In Your Name خواهید بود

در بخش مصاحبه، ترجمه برخی از مصاحبه های مایکل از جمله مصاحبه مایکل جکسون باJerardo rivera و مصاحبه مایکل جکسون باbob colacello قرار گرفته

در بخش دانلود، تصاویر ی از مایکل برای دانلود قرار گرفته

در بخش دست نوشته ، دست نوشته های نویسنده وبلاگ پیرامون مایکل جکسون قرار گرفته

همچنین شما در این وبلاگ علاوه بر دسته بندی های فوق، بر اساس آرشیو ماهیانه و تازه ترین عناوین هم میتوینید به مطالب دسترسی داشته باشید

نویسنده این وبلاگ فاطمه هستش

.....

و اینم گفتگویی کواتاه با فاطمه نویسنده این وبلاگ:

**ـ درود فاطمه جان، خوبی؟**

سلام،مرسی ، شما خوبی؟

**ـ مرسی ،فاطمه چه مدت هست که وبلاگ نویسی رو شروع کردی؟**

حدود 4 الی 5 سال

**ـ و هنوزم فعالی؟**

آره

**ـ نظرت در مورد emjey.com چیه؟**

از لحاظ اخبار و اینا خیلی خوبه، نظر خودت چیه؟

**ـ به نظر خودم هم سایت خوبیه به هزار ویک دلیل. فاطمه وبلاگت رو هر چند وقت یه بار آپ میکنی؟**

قبلا بیشتر بود الان تقریبا ماهی یک دفعه

سعی میکنم مطالب الکی نذارم تا فایده داشته باشه

**ـ به عنوان حرف آخر صحبتی با خوانندگان وبلاگت داری؟**

همین که من واسه نوشتن مطالب از جای خاصی استفاده نمیکنم امیدوارم با هر مطلب به آگاهی و تفکر خواننده های وبلاگ اضافه بشه و مایکل رو جور دیگه درک کنن.همین.

**ـ فاطمه جان سپاسگذارم که وقتت رو در اختیارمون گذاشتی، بدرود**

خواهش میکنم، خوشحال شدم، بای

.....

دوستان از ویژگیهای این وبلاگ این هستش که مطالب این وبلاگ از جای دیگه کپی نشده و ترجمه ها همه کار خود نویسنده وبلاگ هستش

دیگه بیشتر از این چیزی نمیگم و آدرس وبلاگ رو قرار میدم و مثل همیشه امیدوارم با مراجعه به این وبلاگ از مطالب مفیدش استفاده کنید و با نظراتتون نویسنده وبلاگ رو در بهبود هرچه بیشتر وبلاگش کمک کنید:

http://www.thekingofmyheart.blogfa.com

**سلام ترمه جون حالت چطوره؟**

سلام فرناز جونم ...من خوبم خداروشکر

**خیلی خوشحالم که بالاخره قبول کردی مصاحبه داشته باشیم.... بگو چیکارا می کنی ؟ از زندگیت چه خبر؟**

منم خوشحالم که تو با من مصاحبه میکنی.اون موقع احسان بهم پیشنهاد داد حال و حوصله نداشتم همینجا معذرت ! در حال حاضر که بیکارم.کلا خبری نیست

**یکم در مورده خودت حرف بزن تا دوستای جدیدمون بشناسنت**

من ترمه متولد 28 خرداد 1372.ساکن بندرانزلی.در حال تحصیل در دانشگاه گیلان.رشته ی تحصیلیم منابع طبیعی البته بیشتر بچه ها باید منو بشناسن

**هوای شمال چطوره این چند وقته؟**

خنک و ابری تا بارانی این روزا هواخیلی خوب بود مخصوصا دیروز کنار دریا بودم هوا فوق العاده بود

**خیلی خوبه جامون خالی ... حالا بریم سراغ سخنگاه، چی شد که یهو از فعالیتت کم شد ترمه؟**

دلیل اصلیشو واقعا خودمم نمیدونم.مشموله چند دلیله از طرفی رفت و آمد دانشگاه و دسترسی نداشتن به نت و از طرف دیگه رفتار بعضی از مدیرا و شاید بیشتر از همه اخلاق خودم.این فروم برام خیلی ارزشمنده و پر از خاطرست ولی متاسفانه فروم کاملا آزادی نیست تو خیلی از بحثا من واقعا دوست دارم نظر بدم اما وقتی پستت مدام ویرایش شه و حتی تو مسایل خصوصی دخالت کنن دیگه چندان قابل تحمل نیست از اونجایی که منم نمیتونم همیشه سکوت کنم و مخالفتمو اعلام نکنم ترجیح دادم برای حفظ آرامش کناره گیری کنم.تا همون خاطرات خوب گذشته باقی بمونه

**دلت برای سخنگاه و بچه ها تنگ نشده؟**

چرا حقیقتا خیلی.شاید تا قبل از تاپیک تولدم این حسو نداشتم ولی بعد از اون دلم میخواست دوباره اکتیو شم حالا شاید به زودی دوباره پست دادم

**گفتی که دوست داری برگردی چقدر دیگه صبر کنیم تا دوباره فعالیت داشته باشی؟**

نمیتونم جواب درستی بدم.این بستگی داره اینکه تغییری هرچند جزئی تو سخنگاه ایجاد شه.که هر کس بتونه نظرشو بدون هیچ تشویشی به اشتراک بزاره مثال میزنم اخیرا تو یه تاپیکی متن یکی از وبلاگها گذاشته شد که اون شخص با ادبیات خاص خودش داشت بخاطر برخوردهای اخیر در خانواده ی مایکل اعتراضشو نشون میداد بعد از اولین پست اعضا به ترتیب این شخصو ترور شخصیت کردن من با اون تاپیک و با این شیوه 100٪ مخالفم،به نظر من تو یه سخنگاه اصیلی به نام امجی این سبک جایی نداره. از کسی دفاع نمیکنم .تو همون وبلاگ بارها به سایت امجی و مسئولاش توهین شد اما این کار هم عین همون عمله. جواب توهین رو نباید با توهین و غرض ورزی داد

**چرا توی پستات سعی نکردی اعتراضتو نشون بدی؟**

واضحه چون میدونم جواب یه پست اعتراضی اون هم در اون تاپیک یا ویراشه یا یه پیام هشدار دهنده چون یکی از مدیرای ارشد فروم همون تاپیکو لایک زده بود و همچنین یکی از اعضای قدیمی و دوست داشتنیه فروم اون تاپیکو شروع کرده بود پس.....

**به نظرت کسایی که مثه تو فکر می کنن تعدادشون زیاد باشه؟**

نه.با توجه به پستهایی که گذاشته میشه و نظر بچه ها طی سالها گویا اکثریت این شیوه رو میپسندن از سمت دیگه بیشتر بچه هایی که حتی با من همنظر هستن برای اینکه درگیری و بحثی پیش نیاد پست نمیدن یا پستشون خنثی ست مثلا تو این مورد وحید با من موافق بود ولی پستش تو فروم عکس نظرش بود(دیگه ببخشید وحید)

**راه حلش چیه؟**

راه حلش اینه که بیشتر همدیگرو دوست داشته باشیم، حتی اگه با ادبیات و منطق کسی مشکل داریم از دید دیگه ای نگاه کنیم. سخنگاه امجی پتانسیل اینو داره که یه فضای ازادتر برای کاربرانش ایجاد کنه.اگه حساسیتهامونو کنترل کنیم قطعا به نتیجه میرسیم میشه تو سخنگاه درباره ی هر موضوعی بحث کرد ما میتونیم مشاور هم باشیم اما همه ی اینها تحت شرایطیه که آزادی و البته احترام و علاقه ی بیشتری بین طرفداران مایکل جکسون وجود داشته باشه در این مورد خاص که گفتم همون وبلاگو میشه از جهات مثبت نگاه کرد،شاید تو این شرایطی که دنیا داره به سمتش پیش میره کمترین خدمتی که میتونیم بهم بکنیم درک کردنه

**یعنی به همین خاطره که دوستای قدیمی ام جی دیگه نمیان؟**

با صرفنظر کردن از اینکه دیگه مایکل از نظر جسمانی نیست و اونا سنشون رفته بالا و مشغله ی بیشتری دارن اینم میتونه یه دلیل باشه البته ظاهرا الان با وجود سایتهایی مثل فیسبوک بیشتر بچه ها ترجیح میدن مایکل رو تو یه بعد جهانی در کنار هوادارانش در دنیا بشناسن نه منحصرا تو فروم مخصوص هواداران ایرانی

**بله تا حدودی موافقم... پس با این اوصاف دیگه نیازی به فروم نیست؟**

نه با این موضوع اصلا موافق نیستم.حتی با وجود فیسبوک من خیلی از بحثای مایکی رو اینجا دنبال میکنم شاید بخاطر محدودیت بیشتری که داره نتیجه گیری هم ساده تره.اگر از همه ی ظرفیتهای فروم استفاده بشه موفقیتهای بیشتری هم به دنبال داره

**بعد از فوت مایکل یه مدت فرومو بستن دلیلشو می دونی؟**

اتفاقا یه روز داشتیم در همین مورد با یکی از بچه های قدیمی فروم (پرهام مقدم)حرف میزدیم به این نتیجه رسیدیم که احتمالا چون میخواستن طرفدارا یکم آروم شن و اون با این کار مخالف بودو میگفت یکی از دلایلی که دیگه بچه های قدیمی به فروم برنگشتن همون یکی دو سالی بود که فروم بسته شد منم همین نظرو دارم شما چطور؟

**منم همین فکرو می کنم.... چطوری از مرگ مایکل با خبر شدی توی اون روزا؟**

خودت زنگ زدی خونمون و خبر دادی.یادمه پشت تلفن گریه میکردی و من فکر میکردم میخوای بگی مایکل حالش بده یا بازم از جایی افتاده پاش شکسته و وقتی گفتی مایکل دیشب تو بیمارستان تموم کرد....نمیدونستم باید به از دست دادن همه چیز در چند ساعت بخندم یا زار بزنم

**دوست نداشتی بهت خبر بدم؟**

نمیشه از حقیقت فرار کرد.بازم خوشحالم تو خبر دادی

**هنوزم به خاطرش گریه می کنی؟**

آره طبیعیه.من مایکلو واقعا واقعا دوست دارم.مگه میشه این آدمو دوست نداشت.وقتی فکر میکنم بیشتر از 3ساله که دیگه نیست وقتی فکر میکنم از وقتی رفته خیلی چیزا دیگه ناتمومه و اینکه خیلی از اتفاقات در نبودنش رخ داده حتی گریه هم نمیتونه سبکم کنه.

**نظرت در مورده اتفاقای اخیری که برای خانواده ی جکسون افتاده چیه؟**

نظر منفی.بنظر خانواده ی مایکل مشکل روانی دارن.همونطور که مایکل گفت همه کار واسه پول.من هیچ همدلی و علاقه ی قلبی بین اعضای این خانواده نمیبینم. دورویی دروغ مادی گرایی و نفاق تنها چیزهاییه که براشون باقی مونده. نه فقط خانواده ی مایکل در کنارش اقدامات سخیف بنیاد که قابل تایید نیستن.مسئولان بنیاد و حمایتهای کورکورانه به هیچ وجه اوضاع خوبی نیست همه با منفعت طلبی به مایکل خیانت میکنن و دونستن این مطالب هم دردی رو دوا نمیکنه فقط امیدوارم همه چیز

**توی این بین فرزندان مایکل چه اقدامی کنن بهتره؟**

اقدامات اخیرشون خوب بوده.خطشونو از عموها و عمه هاشون جدا کنن.پشت هم باشن و به هم عشق بورزن و بیشتر از گذشته حرفهای پدرشونو تداعی کنن

**امیدوارم حل شه سریعتر مشکلاتشون، می خوام سوالای شخصی تری بپرسم... از رابطه هات بگو،دوست داری برگردی به دوران قبل که تازه اولین رابطتو شروع کرده بودی؟**

خب در این مورد اصلا دلم نمیخواد صحبت کنم.ولی چون تویی تا حدودی میگم جواب این سوال یه نه قاطعه.به هیچ وجه دلم نمیخواد حتی 5 ثانیه به اون شرایط برگردم.و اگر الان میشد به 3سال پیش برگردیم هرگز هرگز هرگز اون رابطه رو شروع نمیکردم درواقع الان پشیمونم.من صراحتا میگم اشتباه کردم و هر اتفاقی که افتاد هرچیزیو که بخاطرش از دست دادم تنها تاوان اشتباهات خودمو دادم و هیچکس جز ترمه مقصر نبود و نیست

**پس حالا می خوای بگی که رابطه ی عاشقانه داشتن با یه ام جی فن کاره غلطیه؟**

منظورم این نیست فرناز بحث امجی فن بودن یا نبودن نیست بحث سر آدمهاست.برای من جایی که عشق وجود داشت تعدیل معنا نداشت ولی من دیگه اونهمه فشارو نمیتونستم تحمل کنم.نه میخواستم نه میتونستم.من خسته شده بودم و هیچکس نبود همونطور که همیشه هیچکس نیست فقط یه اسم در کنار من بود که بهش میگفتم عشق بدون اینکه وجود داشته باشه. گویا همه چیز یه سوءتفاهم بود و باید تموم میشد رابطه ی عاشقانه داشتن کار غلطی نیست اما له کردن خودت واسه کسی که نیست و خواهد رفت کارغلطیه

**خب شاید اگه از همون اول چیزیو تحمل نمی کردی اینطوری خسته و داغون نمی شدی... یعنی در اون صورت این همه طول نمی کشید رابطتون؟**

من فکر میکردم کار درستی میکنم.با اینکه همه مخالفم بودن.واقعا نمیدونم چرا ولی میدونم از اون دست دخترهایی بودم که حاضرن روزها هیچی نخورن و همه چیزو واسه عشقشون بخوان من فقط بچه بودم همین....

**حتی اگه سعی هم می کردین دیگه نمی تونستین درست کنین اشتباهاتونو؟**

ببین گذشت جایی وجود داره که عشق باشه.من خیلی چیزارو تو اون رابطه از دست دادم که قابله بازگشت نیستن.همه چیز به انزجار تبدیل شده بود.و تموم....به معنای واقعی وقتی چیزی برای من تموم شه دیگه شروع کردنش بی معنیه.خستگی و فشار ماحصل تمام اون دوسال و نیم بود و بس،الان حس میکنم دیگه پتانسیل یه رابطه ی عاشقانه رو ندارم.دیگه نمیتونم اعتماد کنم و حتی باور منم الان به سختی میتونم دوست داشتن کسیو واقعی بدونم

**می فهمم... دومین رابطت چی ؟ چرا عمرش انقدر کوتاه بود؟**

خب اون رابطه ای نبود که قرار باشه ادامه پیدا کنه.اون فقط حاصل سنگ دلیه من بود. من اگر در عمرم به جز خودم به کسی ظلم کرده باشم به همون بودم واقعا واقعا واقعا ازش معذرت میخوام به هر حال اینکه واسه ایده ها و عقده های خودت فردی رو وسیله قرار بدی به هیچ وجه کار درستی نیستو من با بیرحمی اینکارو کردم

**دوست داری بازم توی یه رابطه با ام جی فن باشی؟ منظورم یه رابطه ی جدیو عشقی بود**

تصورش واسم خیلی سخته.وقتی یه تجربه ی خوبی نداری دیگه میترسی برای دومین بار اشتباه کنی فکر نمیکنم این اتفاق بیافته در آینده ترجیح میدم یه رابطه ی جدی تر در یه محیط جدی تر ایجاد شه نه تو فاصله و دوری و رابطه های غیر رسمی

**پس اگه توی این بین کسی بهت پیشنهاد بده قبولش نمی کنی؟**

تو فضای مجازی نه

**خب برنامت برای ایندت چیه؟**

برای آینده خب من تازه که کنکور قبول شدم نمیتونستم با رشتم ارتباط برقرار کنم ولی بعد از چند ماه و دور شدن از حاشیه ها چسبیدم به درس و از یه دید دیگه ای بهش نگاه کردم.مایکل عاشق حیات وحش و محیط زیست بود عاشق خاک و درخت و زمین الان بیشتر از هرچیز دوست دارن تو درسم پیشرفت کنم و بتونم تاثیر هرچند خیلی جرئی رو محیط و زمین داشته باشم برنامم واسه آینده اینه که واسه مطالعه وقت بیشتری بزارم و به مثبت فکر کنم

**خیلی خوبه امیدوارم بتونیم کاری کنیم در این زمینه! (با توجه به تشابه رشته هامون)**

**هفته نامه مارو می خونی؟**

نه متاسفانه

**چرا؟ چه ایرادی داشته که جذب خوندنش نشدی؟**

من تا حالا نخوندم هیچ کدومو که ببینم چه ایرادی داره اتفاقا خیلی دوست دارم بخونم ولی چندبار خواستم دانلود کنم نمیشد ولی بازم امتحان میکنم امیدوارم درست شده باشه

**باشه پس منتظریم ...ممنون ترمه جان که وقتتو در اختیارم گذاشتی و ازت می خوام به عنوان پی نوشت هر چی دوست بگی**

خوشحالم از اینکه با هم حرف زدیم.دوست دارم.امیدوارم همه چیز بهتر بشه هم فروم هم خانواده ی مایکل .امیدوارم اتحادمون بیشتر شه.قضاوتهای خوبی داشته باشیم دوست دارم دوباره به فروم برگردم...دلم خیلی تنگ شده

# نظرات شما در قبال طنز

*Kingmichael*: ممنون که همچنان با قدرت به کارتون ادامه میدید
بازم مصاحبه رو بیشتر دوست داشتم

راستی چرا اسکار همش یه جایزه میدید .خسیس بازی درنیاریت 😀

جریان خداحافظی حمید والناز چیه ؟!!

**( ممنون که همچنان با قدرت به نظراتتون ادامه میدید! دنبال شخص خاصی میگردین شما؟ میخواین شماره های مصاحبه شونده ها رو خصوصی به صورت زیر میزی بهتون بدیم؟ آخه اون 3 هزار میلیارده تموم شدش!برای همین خسیس شدیم! شایعه ای بیش نیست! شما خودتو خو.... ببخشید ناراحت نکن!)**

*یگانه*: سلام
ببخشید من هر چی سعی کردم تو سخنگاه حساب کاربری بسازم
پیغام می داد که حساب ایجاد شده و برای فعال سازی روی لینکی
که به آدرس میلتون میاد کلیک کنید
ولی هنوز هیچ پیامی برا من نیومده!
می شه منو راهنمایی کنید
ممنون

**(سلام... این چی ربطی به هفته نامه و اصلا به وبلاگ داشت؟ سعی کنین در مورد این موارد از گردانندگان عزیز به صورت ایمیل سوال کنید!)**

*یگانه*: بازم سلام
از راهنمایی تون ممنونم.
اما این اومدنم از بابت اون سو تفاهمه
الان هفته نامه ۱۵ خوندم دیدم از من پرسیدید من منظورم چه کسی بوده؟

من واقعا از همگی تون معذرت می خوام این یه سو تفاهمه.
من اصلا منظورم وبه شما نبوده منظورم وبه شخص دیگه ای بود
که به تازگی متوجه شدم خودشم دیگه نمیاد فروم.
منظورم این بود که به خاطر کار اون آقا تصمیم گرفتم دیگه
تو هیچ وبی حرفی نزنم.

بازم شرمنده ام.
منظورمو نتونستم خوب برسونم.

خیلی خیلی شرمنده و از آقا احسان هم به خاطر لطف و توجه ای که داشتن تشکر می کنم.

**(دوباره سلام یا بازم سلام! دفعه بعدی سعی کنید شفاف سازی کنید که حرکاتی خود جوش مانند آن خبر را با سر به دیوار نزنید! راستی از کجا فهمیدین که نویسنده اون خبر احسان بوده؟)**

# نظرات شما در قبال طنز

*شاپرک:* خسته نباشید دوستان. بچه ها جون، یادمه از شماره های اول قرار بود یه جمله ای، چیزی،یادی از خدا بنویسید، یکی دو شماره نوشتید بعد دیگه نه. چرا آخه؟ جای بقیه رو که تنگ نمیکنه، میکنه؟ (خنده)

**( سلامت باشید دوستان! دوستان!دوستان! یاد یکی از دوستام افتادم که به دوست میگفت دوستان!**

**الان تو جو همون قضیه م! راستش از شماره های وسط قرار بود یادی از خدا بنویسیم! چرا من دوست دارم**

**چهار زانو بشینم، اونطوری مجبور بودم دو زانو بشینم! دیدین جامون تنگ شد! حالا از هفته بعدی خودتون مینویسین تا ما بخندیم به جای شما!)(خنده)!!!**

*shayan69:* سلام بچه ها خسته نباشید خوب بود و امیدوارم که به روند خوبتون ادامه بدید طراحی جلدها خوب شدن...موفق باشین

**( سلام! سلامت باشید! بله خوب بود! منم امیدوارم! آره خوب شدن! موفق باشید!)**

# پیش بینی هفته

پیش بینی میشود در هفته آینده همچنان اعضای فروم رو به فزونی و اعضای هفته نامه در غیبت خود بمانند! احتمالا هفته بعدی یک بخش برای پرسش های اطلس بانو و یک بخش برای پیچوندن های حاج آقا وحید اضافه شود!!!

# پایان نامه

این هفته هم گذشت و گفتنی ها گفته شد!!!